

بررسی تطبیقی مدیریت ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی و متعارف (مطالعه موردی افغانستان و ایران)

محسن زنگنه^۱

محمد غفاری فرد^۲

محمدجواد عالمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۸

چکیده

صنعت بانکداری یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش‌های اقتصادی کشورها به حساب می‌آید، بانکداری اسلامی امروزه در کنار بانکداری متعارف نقش فعال و گسترده در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و رشد توسعه اقتصادی کشورها دارد. در شرایط کنونی نظام بانکی در جریان فعالیت‌های خود با انواع مختلف از چالش‌ها و ریسک‌ها مواجه است. یکی از جمله ریسک‌های که بانک‌ها را تهدید می‌کند ریسک نقدینگی است که در صورت عدم کنترل و مدیریت درست موجب ورشکستگی بانک‌ها می‌گردد. از این رو این تحقیق به بررسی تطبیقی ریسک نقدینگی و مدیریت آن در بانکداری اسلامی و متعارف با استفاده از شاخص نسبت‌های مالی در بانکداری اسلامی ایران و بانکداری متعارف در افغانستان پرداخته است. بدین منظور از داده‌های جمع‌آوری شده از ترازنامه ۴ بانک اسلامی در ایران و ۴ بانک متعارف در افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۴ - ۱۳۹۱ استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نسبت بدهی به دارایی، نسبت تسهیلات به دارایی، نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در بانک‌های منتخب اسلامی ایران بیشتر از بانک‌های منتخب متعارف در افغانستان است، بیشتر بودن این نسبت‌ها بیانگر ریسک نقدینگی بیشتر در بانک‌های منتخب اسلامی ایران در مقایسه با افغانستان است. نسبت سرمایه به دارایی و نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌ها در بانک‌های منتخب اسلامی ایران پایین‌تر از بانک‌های متعارف در افغانستان هست پایین بودن این دو نسبت گویایی ریسک نقدینگی کمتر در بانکداری متعارف افغانستان نسبت به بانک‌های منتخب اسلامی ایران است؛ بنابراین نتایج همگی این نسبت‌ها نشان می‌دهد که ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی ایران بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان است.

کلمات کلیدی: بانک، ریسک نقدینگی، نسبت‌های مالی، افغانستان، ایران

طبقه‌بندی: Jel: G11, G22

۱. معاونت آموزش و استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بین‌المللی اهلبیت Zanganeh.mohsen@gmail.com
۲. عضو هیئت علمی و استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بین‌المللی اهلبیت Mghunivers1390@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته علوم اقتصادی دانشگاه بین‌المللی اهلبیت Alemi4455@gmail.com

مقدمه

بانک‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ارکان بازار پول نقش اساسی و تعیین‌کننده در رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد. امروزه بانک‌ها با توجه به اهمیت آن به عنوان بزرگ‌ترین واسطه مالی با یک‌سری چالش‌های نیز روبه‌رو است، یکی از حادترین چالش‌های فراروی نظام بانکی مسئله ریسک است. فعالیت‌های بانکی ماهیتاً با انواع از ریسک‌ها مواجه است. واسطه‌گری مالی به‌عنوان وظیفه اصلی بانک به‌صورت طبیعی بانک را با انواع ریسک مواجه می‌کند (شعبانی و رستخیز، ۱۳۹۱، ص ۷). ریسک نقدینگی یکی از آن چالش‌هاست که فعالیت‌های بانکداری را تهدید می‌کند. ریسک نقدینگی در هر دو نظام بانکی اسلامی و متعارف وجود دارد، دلیل اصلی ریسک نقدینگی در بانک‌ها این است که بیشتر منابع بانک‌ها از محل سپرده‌های کوتاه‌مدت تأمین می‌شود، درحالی‌که تسهیلات و سرمایه‌گذاری بانک‌ها صرف دارایی‌های می‌باشد که از توان نقدینگی پائین برخوردار است (گروه مطالعات ریسک بانک اقتصاد نوین، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵).

اهمیت مدیریت ریسک نقدینگی در بانک‌ها در حدی است با جزئی‌ترین رکود در عملکرد بانک‌ها ممکن است اعتماد مردم و مشتریان نسبت به بانک سلب گردد و اقدام به برداشت وجه شان از بانک نمایند؛ که در این وضعیت نقدینگی بانک تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از این‌رو مدیریت نقدینگی و تطابق سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها یکی از نکاتی مهم و از وظایف اصلی و کلیدی مدیران بانک است که باید به این امر توجه نمایند. مدیریت ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی پیچیده‌تر از بانکداری متعارف می‌باشد؛ زیرا خیلی ابزارهای که در بانکداری متعارف برای مدیریت ریسک نقدینگی کاربرد دارد در بانکداری اسلامی قابل‌استفاده نیست. (عطر کار روشن و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۳ - ۲۲)؛ بنابراین با توجه به‌ضرورت و اهمیت مدیریت ریسک نقدینگی در بانکداری این مقاله به دنبال حل این مسئله است که آیا ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی بیشتر از بانکداری متعارف است؟ این مقاله به بررسی تطبیقی ریسک نقدینگی و مدیریت آن در بانکداری اسلامی ایران و بانکداری متعارف افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۳۹۴ با استفاده از شاخص نسبت‌های مالی و اطلاعات ترازنامه بانک‌های مورد مطالعه ایران و افغانستان می‌پردازد. در بخش اول به‌صورت مختصر پیشینه تحقیق، ادبیات نظری ریسک و ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی و متعارف بررسی می‌شود و سپس با استفاده از نسبت‌های مالی، ریسک نقدینگی در نظام بانکی اسلامی ایران و بانکداری متعارف در افغانستان تحقیق و بررسی می‌شود.

۱. مروری بر پیشینه تحقیق

در موضوع مدیریت ریسک نقدینگی نظام بانکی، در ایران و سایر کشورهای اسلامی تحقیقات زیادی صورت گرفته اما در این خصوص در نظام بانکی افغانستان تاکنون تحقیقات زیادی انجام نشده است.

تحقیقات که مرتبط با این موضوع در ایران و سایر کشورها انجام شده است به صورت مختصر مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

قاسمی ارمکی و بحرالعلوم سال (۱۳۸۵) در تحقیق که انجام داده است به این نتیجه رسیده‌اند که در تفکر اقتصاد اسلامی رابطه برنده و بازنده مطلق وجود ندارد و طرفین معامله در سود و زیان شریک‌اند، در نظام بانکی اسلامی امکان واگذار کردن ریسک در هیچ‌یک از فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد؛ بنا بر بانکداری اسلامی از ریسک بالاتر نسبت به نظام بانکی متعارف برخوردار است و این مسئله ضرورت به مدیریت ریسک را در نظام بانکداری اسلامی بیشتر می‌سازد.

موسویان و کاوند سال (۱۳۸۹) به این نتیجه رسیدند که در نظام بانکداری اسلامی با توجه به تحریم ربا و به علت نبود ابزارهای مدیریت نقدینگی مطابق بانکداری اسلامی حجم بالای نقدینگی در نظام بانکی اسلامی نگهداری می‌شود که این مسئله هزینه فرصت بالای بانک‌ها دارد و بازدهی بانک‌ها را پایین می‌آورد، دانشمندان اسلامی با طراحی و جایگزین ساختن ابزارهای مدیریت نقدینگی اسلامی مانند مرابحه موازی، قرض‌الحسنه متقابل، صندوق توسعه اسلامی و اوراق بهادار اسلامی این خلأ ابزار مدیریت ریسک نقدینگی را پر کرده است.

صبری (۲۰۱۳) معتقد است که یکی از علت‌های ریسک نقدینگی در بانکداری عدم مطابقت در سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها می‌باشد؛ زیرا بانک‌ها منابع و سرمایه خود را از طریق سپرده‌گذاری‌های کوتاه مدت تأمین مالی می‌کنند و برعکس سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات‌شان بیشتر به صورت بلندمدت می‌باشد و این وضعیت بانک را در معرض ریسک نقدینگی قرار می‌دهد. به باور محقق یکی از راهکارهای مدیریت و کاهش ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی استفاده از ابزارهای مالی اسلامی و فن‌های خاص نظارت برای ارائه خدمات بانکی می‌باشد که این راهکار کیفیت کارایی را افزایش و ریسک نقدینگی را در نظام بانکی اسلامی کاهش می‌دهد.

سلمان (۲۰۱۳) باورمند است که با توجه به عوامل متعدد ریسک نقدینگی، بهترین راه‌حل برای مدیریت ریسک نقدینگی این است که باید عواملی را که باعث به وجود آمدن چالش و ریسک می‌شود شناسایی کنیم و هرگاه این عامل برطرف شد بسیاری از مشکلات و چالش‌ها رفع می‌گردد. مدیریت مناسب و تدوین قوانین برای ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی یک امر ضروری و حیاتی پنداشته می‌شود.

اشرف المبین و فاروق احمد (۲۰۱۴) معتقداند که بانک‌های اسلامی نیز همانند بانک‌های متعارف با ریسک بالای مواجه است که این ریسک، عملکرد بانک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بانک‌های اسلامی با توجه به الزامات شرعی نیاز بیشتر به اقدامات اضافی برای مدیریت و اندازه‌گیری نقدینگی دارند؛ زیرا بانک‌ها بدون داشتن نقدینگی کافی با انواع مختلف ریسک‌ها مواجه هستند. در

این مطالعه توصیه بر این است که مسئولین و مدیران بانک‌ها باید از همه وسایل و ابزارهای مالی جامع برای بهبودی مدیریت ریسک نقدینگی استفاده نمایند.

کفای و راهزانی (۱۳۹۶) معتقد است که بروز بحران‌های مالی زیان فراوانی را به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری وارد کرده و موجب افزایش ریسک نقدینگی و ورشکستگی بسیاری از آن‌ها شده است. ویژگی اصلی این بحران‌ها، کاهش میزان نقدینگی در شبکه بانکی کشور است؛ و مدیران سیستم بانکی کشور به‌طور کلی باید در تصمیم‌گیری‌های خود به منظور کاهش ریسک توجه نمایند، در شرایط رونق اقتصادی با احتیاط بیشتری به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت خود بپردازند، زیرا ممکن است با خوش‌بینی خود در این دوران، بانک را در معرض ریسک نقدینگی بیشتر قرار دهند.

قولچاش و سعیدی (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیده است که نقدینگی در بانکداری اساساً به‌عنوان توانایی مرتفع کردن مقررات بانکی طبق انتظار مطرح می‌شود. بانک‌ها ممکن است با ریسک نقدینگی مواجه شوند. یکی از وظایف اصلی بانک‌ها، حفظ سطح مطلوب نقدینگی است و بی‌توجهی به این مسئله ریسک نقدینگی را افزایش می‌دهد که در نهایت منجر به ورشکستگی بانک می‌گردد. بنابراین با توجه به مروری مطالعات انجام‌شده می‌توان به این نتیجه رسید که ریسک نقدینگی یکی از چالش‌های بزرگ فراروی نظام بانکی و فعالیت‌های آن می‌باشد و اکثر این تحقیقات بیشتر به بررسی ریسک نقدینگی در نظام بانکی ایران و سایر کشورها در هر دو نظام بانکی به صورت جداگانه پرداخته است اما به بررسی مدیریت ریسک نقدینگی در نظام بانکداری اسلامی و متعارف در افغانستان و ایران به صورت مقایسه‌ی تحقیقاتی صورت نگرفته است.

۲. ادبیات نظری تحقیق

در جامعه امروزی تقریباً تمام افراد به نحوی با مفهوم ریسک آشنایی دارند، ریسک در لغت به مفهوم امکان یا احتمال بروز و یا روبه‌رو شدن با خطر، صدمه دیدن، خسارت دیدن و زیان دیدن است (معین)، ریشه یا واژه ریسک (Risk) در ادبیات کلاسیک یونانی از ریزیکون گرفته‌شده که به معنی ریشه است؛ و در ادبیات لاتین ریسک از واژه (Riscium) گرفته‌شده است. در فرهنگ لغت آکسفورد ریسک را شانس خطر، پیامدهای بد و خسارت دانسته است. فرهنگ لغات سرمایه‌گذاری نیز ریسک را زیان بالقوه سرمایه‌گذاری که قابل محاسبه است تعریف می‌کند. ریسک در زبان چینی ها نیز با دو علامت نشان داده می‌شود که یکی به معنی خطر و دیگری به معنی فرصت است، پس از این می‌توان نتیجه گرفت که در ادبیات چینی ریسک به شرایطی مرکب از خطر و فرصت اطلاق می‌شود. (کردلوی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۸ - ۳۷)

۱.۲ مفهوم ریسک در بانکداری

مفهوم ریسک از دیدگاه دانشمندان امور بانکی به معنی عدم قطعیت و اطمینان در رابطه با یک اتفاق و یا یک تصمیم‌گیری آینده است. با توجه به این که سرمایه بانک‌ها نسبت به کل ارزش دارایی‌های آن‌ها کم است، حتی اگر درصدی کمی از وام‌ها قابل وصول نباشند بانک‌ها با خطر ورشکستگی مواجه خواهند شد، زیرا در شرایط کنونی نظام بانکی اهمیت به سزای در رشد و توسعه اقتصادی دارد به این دلیل مورد توجه خاص قرار می‌گیرند؛ چون بانک‌ها هر روزه در انجام عملیات گوناگون خود با انواع مختلف ریسک روبه‌رو می‌شوند. لذا دلایل وجود ریسک در بانک‌ها را با نوع کارکرد آن می‌توان به راحتی توجیه کرد؛ چراکه بانک‌ها از یک سو سرمایه‌های مردم را که در قبال آن مسئولیت دارند جمع‌آوری کرده و از سوی دیگر با استفاده از این سرمایه‌ها اقدام به انجام عملیات بانکی و فعالیت‌های اقتصادی می‌نمایند. نظام بانکی با توجه به نوع فعالیت‌های خود در معرض محدوده وسیع از ریسک‌ها قرار می‌گیرند. (مهران‌فر به نقل از نوری ۱۳۹۱، ص ۲۵). یکی از حادترین ریسک‌های که بانکداری را تهدید می‌کند ریسک نقدینگی است، ریسک نقدینگی ناشی از عدم مدیریت نقدینگی بانک‌ها می‌باشد، در فعالیت‌های بانکی، سررسید تسهیلات اعطای معمولاً بلندمدت‌تر از سررسید سپرده‌ها و بدهی‌های بانک است زیرا بانک‌ها اکثر با سررسید بلندمدت تسهیلات می‌دهد و با سررسید کوتاه‌مدت سپرده‌ها را جذب و منابع مالی بانک را تأمین می‌کنند. این عدم تطبیق و هماهنگی سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها باعث افزایش ریسک نقدینگی در بانک‌ها می‌گردد که در صورت عدم کنترل و مدیریت ریسک نقدینگی، بانک‌ها با ورشکستگی مواجه می‌شود. (مهرآرا و بهلولوند، ۱۳۹۶، ص ۱۴).

۲.۲ عوامل ایجاد ریسک نقدینگی

عواملی که باعث به وجود آمدن ریسک نقدینگی در بانک‌ها می‌شود در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱ - عامل بدهی محور ۲ - عامل دارایی محور

۱.۲.۲ عامل بدهی محور

این عامل زمانی باعث پدید آمدن ریسک نقدینگی در نظام بانکی می‌شود که سپرده‌گذاران به صورت غیرمنتظره و با پیش آمدن شرایط و اتفاق خاصی برای برداشت از حساب خود اقدام کنند و نقدینگی بانک پاسخگوی نیازهای مشتریان و سپرده‌گذاران نباشد؛ زیرا ماهیت فعالیت بانک‌ها این است که غالباً در تجهیز منابع، بیشتر از سپرده‌های کوتاه‌مدت استفاده می‌کنند و در مقابل در تخصیص منابع، بیشتری از منابع را در سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری می‌کنند. از این جهت بانک‌ها و مؤسسات مالی باید با محاسبه دقیق، میزان جریان خروجی نقدی خود را در هر دوره زمانی در برابر ریسک نقدینگی پیش‌بینی نمایند، بانک باید با استقراض یا فروش دارایی‌ها

وجه نقد تأمین کند. نقدپذیرترین دارایی بانک وجه نقد است؛ اما سیاست‌های مدیریت سرمایه‌گذاری در گردش به‌خصوص سیاست‌های جسورانه ایجاد می‌کند موجودی دارایی‌های جاری بدون بازده مانند وجه نقد به حداقل رسانده شود. (پور زرنندی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰)

۲.۲.۲ عامل دارایی محور

دومین عامل ایجاد ریسک نقدینگی برای نهادهای مالی عامل دارایی محور است. در طرف دارایی‌ها نیاز فوری به منابع نقدی زمانی رخ می‌دهد که بانک در صورت درخواست مشتری ملزم به ایفای تعهداتی باشد که در حساب‌های انتظاری خود پذیرفته است. یکی از رایج‌ترین این نوع تعهدات، قراردادی است که بانک‌ها با برخی مشتریان خود منعقد می‌کنند تا در صورت درخواست مشتری تا سقف معینی به آن‌ها تسهیلات اعطا کنند. عوامل سمت دارایی‌های بانک زمان باعث پدید آمدن ریسک نقدینگی برای بانک می‌شود که بانک تعهدات مثل پرداخت وام به شرکت‌های گوناگون داده باشد و بانک متعهد به پرداخت وام شده باشد، در این صورت اگر شرکت‌های طرف قرارداد وام‌گیرنده تعهد خود را به اجرا بگذارند بانک مجبور به پرداخت آن می‌گردد که چنین پرداختی بانک را با ریسک نقدینگی مواجه می‌کند. در واقع اثر این دسته از عوامل، در افزایش دارایی‌ها نمایان می‌شود. از این رو هر کدام از این دو عامل در شرایط حاد خود می‌تواند بانک را با ریسک نقدینگی و ورشکستگی مواجه کند (پورزرنندی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱)

۳.۲ انواع ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته زیر تقسیم می‌شود

۱.۳.۲ ریسک نقدینگی تأمین مالی

ریسک نقدینگی تأمین مالی به نام ریسک جریان وجه نقد هم نامیده می‌شود ریسک نقدینگی به معنی عدم توانای بانک در پرداخت تعهدات سپرده‌های سپرده‌گذاران است. این مسئله مخصوصاً برای پرتفوی‌های متوازن شده‌اند و متعهد به پرداخت حاشیه سود به طلب‌کاران هستند معضل مهمی برای بانک است. در واقع اگر بانک ذخیره کافی وجه نقد نداشته باشد ممکن است در شرایط اضطراری و پیش‌بینی نشده مثل سقوط ارزش بازار، کاهش و افزایش نرخ ارز و تورم، مشتریان بانک و سپرده‌گذاران اقدام به برداشت وجه‌شان می‌نمایند، در این حالت بانک مجبور به پرداخت سپرده‌ای سپرده‌گذاران می‌باشد، در این صورت اگر بانک ذخیره کافی وجه نقد برای پاسخ‌گویی مشتریان نداشته باشد ریسک شدیدتر می‌شود؛ زیرا در این شرایط بانک مجبور است دارایی‌های خود را در بازار حتی به قیمت پایین‌تر نقد نماید که این حالت را به نام مارپیچ مرگ تعبیر می‌کنند. ریسک تأمین مالی با برنامه‌ریزی مناسب جریان وجه نقد کنترل می‌شود. محدود کردن شکاف

جریان وجه نقد، متنوع کردن و در نظر گرفتن منابع مالی جدید برای پر کردن کسری نقدینگی نقش مهمی در کنترل ریسک نقدینگی دارند. (مهران‌فر، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

۲.۳.۲ ریسک نقدینگی دارایی

ریسک نقدینگی دارایی، به نام ریسک بازار محصول هم یاد می‌شود و این ریسک زمانی ظاهر می‌شود که معامله یک دارایی باقیمت پیش‌بینی‌شده قابل انجام نباشد؛ زیرا در بازارهای مالی به دلیل بی‌ثباتی و نوسانات قیمت‌ها ممکن است قیمت دارایی‌ها تغییر کند به این جهت ریسک در بیشتر معاملات دارایی‌ها وجود دارد. ریسک نقدینگی دارایی در بین تمام انواع دارایی‌ها در هر زمان وابسته به شرایط بازار است که قابل تغییر است، بعضی دارایی‌ها مانند ارزهای اصلی، اوراق قرضه، اوراق سهام که بازارهای ثانویه فعال و گسترده دارند در بیشتر مواقع به راحتی با نوسان کم قیمت نقد می‌شوند؛ اما این امر در مورد همه دارایی‌ها صادق نیست. ریسک نقدینگی دارایی بانک‌ها به دلیل کمبود وجه نقد و عدم اطمینان در میزان نقدینگی پیش‌بینی‌شده ایجاد می‌شود. حالت دیگری که باعث افزایش ریسک نقدینگی می‌شود این است که بازارهای منابع بانک‌ها در آن‌ها قرار دارد، دچار کمبود نقدینگی شوند. ریسک نقدینگی با سایر ریسک‌های مالی مختلط است و به همین دلیل سنجش و کنترل آن با دشواری همراه است. (مهران‌فر، ۱۳۹۱، ص ۳۵)

۴.۲ مدیریت ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی یکی از ریسک‌های بسیار معمول در نظام بانکی است که این ریسک در هر بانک معمولاً یک ماهیت منحصر به فرد دارد. با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر بانک و مؤسسه مالی سیاست‌های نقدینگی خاص خود را می‌طلبد. نخستین مسئولیت هر بانک مدیریت و کنترل نقدینگی آن می‌باشد؛ زیرا تجهیز منابع در بانک‌ها معمولاً از طریق جذب سپرده‌گذاری‌های کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد و تخصیص منابع برعکس بیشتر در سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های بلندمدت می‌باشد که این مسئله ریسک نقدینگی بانک را افزایش می‌دهد. (پورپاشاه، ۱۳۹۲، ص)

طی سال‌های اخیر مؤسسات پولی و نظام بانکی شاهد بحران‌ها و حتی ورشکستگی‌های متعدد بوده است که این مسئله توجه مدیران و کارشناسان امور بانکی را برای مدیریت ریسک نقدینگی به خود جلب کرده است. هدف از مدیریت ریسک نقدینگی کاهش ریسک نقدینگی و رساندن آن به سطح قابل قبول است. رسیدن به این هدف ابزارهای خاصی را لازم دارد. ابزارهای که بیشتر برای مدیریت ریسک نقدینگی در نظام بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارت‌اند از: سیاست‌های مناسب شناسایی ریسک نقدینگی، راهبردهای قابل درک، دسترسی به سطح گسترده‌ای از فوت فن‌های مدیریت، کنترل‌های داخلی و فرایندهای بازرسی داخلی، نظارت در تمام نقاط اتصال مدیریت در زنجیره مدیریت ریسک می‌باشد. چالش اصلی مدیریت ریسک نقدینگی تأمین وجوه در

هنگام بروز بحران است. عمق این چالش نیز به دو ویژگی اصلی بحران (میزان کسری نقدینگی) و سرعت وقوع بحران (سرعت تبدیل دارایی‌های غیر نقدی به دارایی‌های نقدی) بستگی دارد؛ بنابراین اولین گام در سیستم مدیریت ریسک شامل روش‌ها و معیارهای به منظور محاسبه کمی انواع مختلف ریسک است. یک سیستم جامع مدیریت ریسک باید شامل مجموعه معیارهای عمومی مورد استفاده در کل صنعت بانکداری و نیز معیارهای داخلی با توجه به شرایط داخلی بانک و همچنین شامل مجموعه ابزارهای مدیریتی ریسک نقدینگی به منظور استفاده در سطوح تصمیم‌گیری باشد. (گروه مطالعات و مدیریت ریسک بانک اقتصاد نوین، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵).

۳. روش تحقیق

هدف از تحقیق حاضر بررسی ریسک نقدینگی و مقایسه آن در بانکداری اسلامی ایران و بانکداری متعارف افغانستان است. روش تحقیق از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و از لحاظ روش و ماهیت یک تحقیق تحلیلی توصیفی است که در قدم اول در بررسی ادبیات نظری تحقیق در هر دو نظام بانکی اسلامی ایران و متعارف افغانستان از منابع معتبر کتابخانه‌ای، مقالات علمی- پژوهشی و سایت‌های معتبر استفاده شده است. در مرحله دوم برای محاسبه ریسک نقدینگی در هر دو نظام بانکی اسلامی و متعارف و مقایسه آن با توجه به ترازنامه و گزارش های سالانه بانک‌های منتخب، از نسبت‌های مالی و نقدینگی استفاده می‌شود. به‌طور نمونه چهار بانک متعارف افغانستانی (بانک عزیزی، بانک باختر، نوبی کابل بانک و بانک مایکرو فایننس) انتخاب شده و همچنین چهار بانک اسلامی دیگر از نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران (بانک اقتصاد نوین، بانک سرمایه، بانک قرض‌الحسنه رسالت، بانک پاسارگاد) که فعالیت و خدمات‌شان براساس موازین شرعی و بانکداری اسلامی است انتخاب شده است که با استفاده از شاخص نسبت‌های مالی ریسک نقدینگی در بانک‌های منتخب اسلامی ایران و بانک‌ها متعارف افغانستان بررسی و مقایسه می‌شود. علت انتخاب بانک‌های مذکور و کم بودن حجم نمونه در این تحقیق این است که نظام بانکی افغانستان با توجه به شاخص‌های بانکی نسبت به بانک‌های ایران کوچک محسوب می‌شود از این‌رو در ایران بانک‌های انتخاب شده است که هم‌تراز با بانک‌های افغانستان است.

۳.۱. بررسی و مقایسه ریسک نقدینگی با استفاده از شاخص نسبت‌های مالی

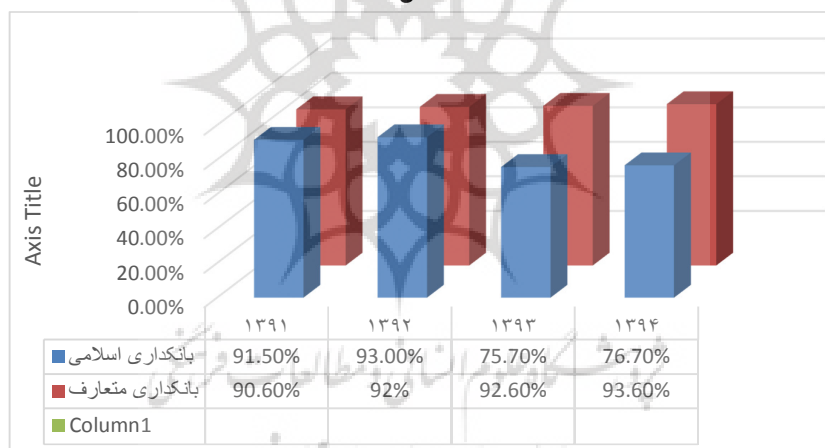
نسبت‌های مالی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارت‌اند از: (نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها، نسبت تسهیلات به دارایی، نسبت دارای نقد به کل دارایی، نسبت سرمایه به کل دارایی و نسبت تسهیلات به سپرده‌ها) که به‌صورت مقایسه‌ای بین نظام بانکی متعارف در افغانستان و بانکداری اسلامی در ایران از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۴ بین ۴ بانک اسلامی ایران و ۴ بانک متعارف افغانستان تحقیق و بررسی صورت می‌گیرد.

۱.۱.۳ نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها از تقسیم مجموع بدهی‌ها بر مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید. این نسبت برای بانک‌ها به‌عنوان شاخصی برای تعیین ریسک‌های مالی و نقدینگی به حساب می‌آید. افزایش نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها در واقع بیانگر افزایش نسبت سپرده‌گذاری در بانک و یا بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی است، بانک‌های که سپرده‌های بیشتری را جذب می‌کنند و یا از بانک مرکزی برای تسهیلات و سرمایه‌گذاری وام می‌گیرند از ریسک نقدینگی بیشتری برخوردار می‌باشند. این نسبت وضعیت مالی و میزان ریسک نقدینگی در بانک‌ها را نشان می‌دهد، هرچه نسبت بدهی‌های بانک به دارایی‌هایش بیشتر باشد ریسک نقدینگی نیز به همان میزان بیشتر است. (مهر آرا و بهلولوند، ۱۳۹۵، ص ۳۰).

بنابراین، مدیران بانک باید به‌گونه این نسبت را با مدیریت نقدینگی و تطبیق سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها مدیریت کنند که بانک در موقع سررسید بدهی‌ها، با کمبود و مشکلات نقدینگی مواجه نشود؛ زیرا افزایش این نسبت در بانک‌ها ریسک نقدینگی را افزایش می‌دهد. با توجه به یافته‌های این تحقیق میانگین این نسبت در طی سال‌های مورد مطالعه از (۱۳۹۱ الی ۱۳۹۴) در نظام بانکداری اسلامی ایران در دو سال اول بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان بوده است.

شکل (۱)



منابع: سایت بانک‌های مورد مطالعه

با توجه به نمودار (۱) نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها در بانک‌های منتخب اسلامی ایران بیشتر از بانک‌های منتخب متعارف در افغانستان بوده است، میانگین این نسبت در سال ۱۳۹۱ در بانکداری اسلامی ایران ۹۱٫۵٪ درصد و در بانکداری متعارف در افغانستان ۹۰٫۶٪ درصد بوده است. روند

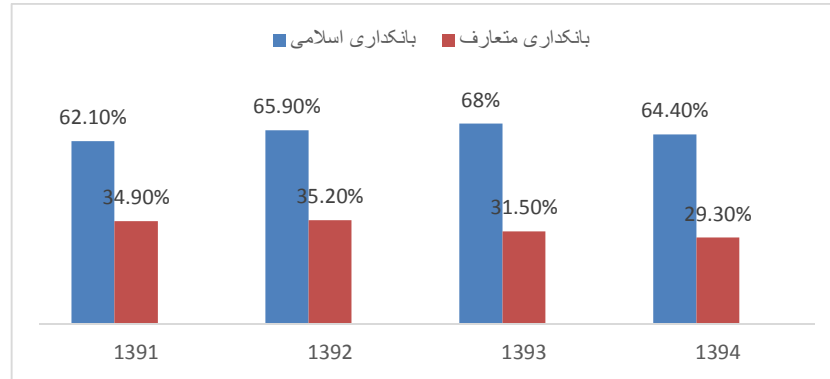
بالا نشان می‌دهد که نسبت بدهی به دارایی در بانک‌های اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۲ روند افزایشی داشته است مطابق این روند ریسک نقدینگی در نظام بانکداری ایران در طی این چهار سال در دو سال اول در حال افزایش و بیشتر از دو سال اخیر بوده است. اما این نسبت در بانک‌های متعارف افغانستان در دو سال اول کمتر از بانکداری اسلامی در ایران بوده است و در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ این نسبت در مقایسه با بانک‌های منتخب اسلامی در ایران بیشتر بوده است در بانک‌های متعارف افغانستان این نسبت در طی سال‌های مورد مطالعه در حال افزایش بوده است. از ۹۰.۶٪ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۹۲٪ درصد در سال ۱۳۹۲ و در نهایت در سال ۱۳۹۴ به ۹۳.۶٪ درصد رسیده است. کاهش و افزایش این نسبت بیانگر کاهش و افزایش ریسک نقدینگی در نظام بانکی می‌باشد. با توجه به اطلاعات و یافته‌های این شاخص، می‌توان به این نتیجه رسید که ریسک نقدینگی در نظام بانکی اسلامی ایران طی سال‌های مورد مطالعه بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان بوده است.

۳.۱.۳ نسبت تسهیلات به دارایی

نسبت تسهیلات به دارایی از تقسیم مانده تسهیلات اعطای بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید. این نسبت میزان دارایی‌های را که برای پرداخت وام تخصیص یافته است، نسبت به کل دارایی‌ها مشخص می‌کند. مدیریت بانک باید به گونه‌ای این نسبت را مدیریت کند که از مشکلات نقدینگی و عدم پرداخت منابع جلوگیری کند. این نسبت مبین روند حرکت بانک‌ها در جهت هدف حداکثر استفاده از منابع برای اعطای تسهیلات است. از آن جاکه تسهیلات اعطای بانک‌ها از جمله عوامل مؤثر در شاخص‌های ریسک عدم بازپرداخت به شمار می‌رود، افزایش این نسبت نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است بانک در خصوص اعطای وام عملکرد مناسبی داشته باشد ولی با اعطای وام بیشتر، ریسک عدم پرداخت و نقدینگی خود را افزایش داده است (علی رایی و سوری، ۱۳۸۶)

افزایش این نسبت به معنای اعطای تسهیلات بیشتر به متقاضیان است که اگر در راستای تولید و بخش واقعی اقتصاد به کار گرفته شود می‌تواند باعث رشد اقتصادی کشور شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این نسبت در بانکداری اسلامی به دلیل این که بخش واقعی اقتصاد با بخش پولی درگیر است نسبت به بانکداری متعارف بیشتر است. البته باید توجه داشت هر چه این نسبت بیشتر باشد ریسک ناشی از کاهش نقدینگی بانک‌ها نیز بیشتر خواهد شد. میانگین این نسبت در طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ در بانکداری اسلامی ایران بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان بوده است. با توجه به آمار و اطلاعات شکل (۲) در سال ۱۳۹۱ نسبت تسهیلات به دارایی در بانکداری اسلامی ایران ۶۲،۱۰٪ و در نظام بانکی متعارف افغانستان ۳۴،۹٪ درصد بوده است.

شکل (۲)



منابع: سایت بانک‌های مربوطه

نمودار بالا بیانگر این است که اعطای تسهیلات در بانکداری اسلامی ایران در مقایسه با بانکداری متعارف در افغانستان بیشتر است؛ و این روند نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ نسبت تسهیلات به دارایی در بانکداری اسلامی ایران دارای نوسان بوده است. بنابراین با توجه به نمودار بالا ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی ایران طی این چندسال مورد نظر دارایی نوسان بوده است در سال ۱۳۹۱ ریسک نقدینگی به خاطر اعطای تسهیلات کمتر بانک‌ها به مشتریان نسبت به سال ۱۳۹۲ کمتر بوده است و در سال ۱۳۹۲ اعطای تسهیلات بانک‌ها بیشتر از سال ۱۳۹۱ می‌باشد و همچنین در سال ۱۳۹۳ این روند ریسک نقدینگی بیشتری را نسبت سال‌های قبل نشان می‌دهد که بیانگر اعطای تسهیلات بیشتر بانک‌ها به مشتریان نسبت به دو سال قبلی هست و در سال ۱۳۹۴ این روند باز هم کاهش را نشان می‌دهد که بیانگر کاهش اعطای تسهیلات نسبت به سال قبل و کاهش ریسک نقدینگی می‌باشد. نسبت تسهیلات به دارایی در بانکداری متعارف افغانستان با توجه به گراف بالا بیانگر این است که نسبت تسهیلات به دارایی طی سال‌های مورد مطالعه دارای نوسان بوده است؛ بنابراین با توجه به ارقام در نمودار بالا نسبت تسهیلات به دارایی در بانکداری متعارف افغانستان کمتر از نظام بانکداری اسلامی در ایران می‌باشد و متوسط این نسبت‌ها در هر دو نظام بانکی بیانگر این است که ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی ایران بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان است.

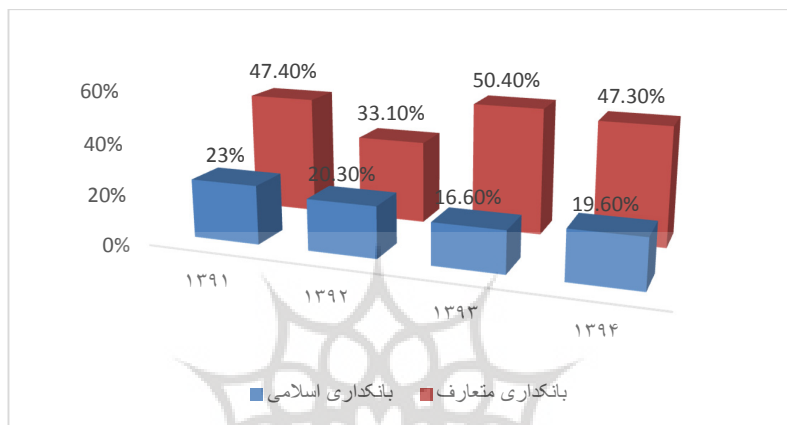
۳.۱.۳ نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌ها

این نسبت از تقسیم دارایی‌های نقد بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید و بیانگر میزان نقدینگی در بانک‌ها می‌باشد، هرچه میزان این نسبت بیشتر باشد توانایی نقدینگی بانک برای پاسخگویی به موقع

به نیازهای مشتریان در زمان سررسید مطالبات بیشتر است، بنابراین در این صورت توانای بانک برای مقابله با مشکلات ناشی از تعدد مراجعه مشتریان برای وجه نقد افزایش یافته و در نتیجه ریسک نقدینگی کاهش می‌یابد. (مهرآرا و بهلولوند، ۱۳۹۵، ص ۳۲).

میانگین نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌ها طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۴ در بانکداری اسلامی ایران در مقایسه با بانکداری متعارف در افغانستان مطابق نمودار زیر بررسی شده است.

شکل (۳)



منابع: سایت بانک‌های مربوطه

نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌ها طی سال‌های مورد مطالعه در بانکداری ایران دارای نوسان بوده است، مطابق این شاخص هرچه این نسبت پایین‌تر باشد ریسک نقدینگی بیشتر است؛ بنابراین با توجه به نمودار بالا نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌ها در طی سال‌های مورد مطالعه در نظام بانکداری اسلامی ایران دارای نوسان و کمتر از بانکداری متعارف در افغانستان بوده است. این نسبت در بانکداری متعارف افغانستان در سال‌های مورد مطالعه بیشتر از بانکداری اسلامی در ایران بوده است. نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌ها در بانکداری افغانستان نیز طی این چهار سال دارای نوسان بوده است. در سال ۱۳۹۲ نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌ها کاهش یافته و ریسک نقدینگی در بانکداری افغانستان بیشتر از سال ۱۳۹۱ بوده است و در سال ۱۳۹۳ دوباره این نسبت افزایش یافته و ریسک نقدینگی تقریباً ۲۰٪ درصد کاهش را نسبت سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد، در سال ۱۳۹۴ دوباره این نسبت در مقایسه با سال قبل کاهش یافته و ریسک نقدینگی نسبت به سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است.

بنابراین هرچه نسبت دارایی‌های نقد به کل دارایی‌ها کمتر باشد ریسک نقدینگی به همان میزان بیشتر است. در شرایط بحرانی اگر نسبت دارایی‌های نقد کمتر از کل دارایی باشد در صورت مراجعه

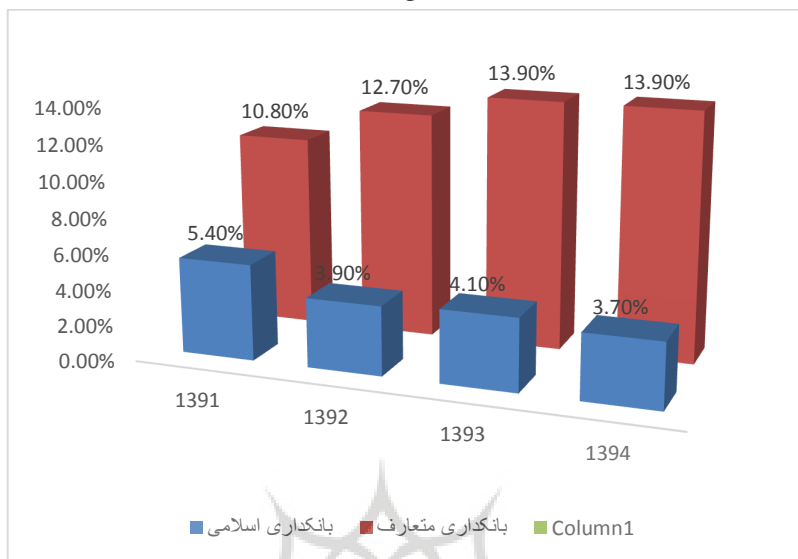
مشتریان در هنگام سررسید مطالبات به بانک، بانک توانایی پاسخگویی به خواسته‌های مشتریان را ندارد و از طرف دیگر در وضعیت بحرانی، مردم اعتماد به بانک‌ها ندارند و در هر صورت می‌خواهند سپرده‌هایشان را از بانک برداشت نمایند، در این وضعیت اگر بانک به علت کمبود نقدینگی توانایی پاسخگویی به مطالبات مشتریان را نداشته باشد منجر به ورشکستگی بانک می‌گردد. در نتیجه کلی با توجه به اطلاعات نمودار بالا می‌توان به این نتیجه رسید که ریسک نقدینگی طی سال‌های مورد مطالعه در بانکداری اسلامی ایران بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان بوده است.

۴.۱.۳ نسبت سرمایه به کل دارایی

نسبت سرمایه به دارایی از تقسیم سرمایه به مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید و سرمایه یک بانک این امکان را به بانک می‌دهد که به‌رغم وجود مشکلات یا معضلات اقتصادی، توان بازپرداخت بدهی‌ها را در زمان سررسید داشته باشد و به عملیات و فعالیت‌های اقتصادی خود نیز ادامه دهد. اگر درصدی سرمایه به مجموع دارایی‌ها بیش از حد پایین باشد، چنان‌چه روند نامطلوبی در اوضاع اقتصادی پیش آید، بانک را با ریسک‌های بسیاری از جمله با ریسک نقدینگی مواجه خواهد ساخت، از طرف دیگر در صورت که نسبت سرمایه‌گذاری به مجموع دارایی‌ها نیز بیش از حد بالا باشد، عملاً منابع مالی صاحبان سهام در بانک بلوکه شده و بانک به منظور کسب سود و بازدهی مناسب برای سهامداران، ناچار به افزایش نرخ اعطای تسهیلات خواهد شد. بانک‌ها عموماً ترجیح می‌دهند که برای به حداکثر رساندن بازده سهامداران منابع مالی مورد نیاز را از طریق سپرده‌گذاران تأمین مالی نمایند. (شمخال و پرهیزکاری، ۱۳۹۰، ص ۳۶). کمیته بال در سال ۱۹۹۹ در بیانیه دوم که موسوم به بازل شماره ۲ است نیز حداقل نسبت سرمایه به دارایی‌ها را در سطح ۸٪ تعیین نموده است، مطابق بیانیه کمیته بال بانک‌های که نسبت سرمایه‌اش از نسبت مقرر شده پایین‌تر باشد در وضعیت مناسب قرار ندارند. (پهلوان، ۱۳۸۶، ص ۲۷). بنابراین با توجه به اطلاعات نمودار (۴) میانگین نسبت سرمایه در بانکداری متعارف افغانستان بیشتر از بانکداری اسلامی در ایران است. این نسبت در سال ۱۳۹۱ در بانکداری اسلامی ایران ۵,۴٪ درصد و در بانکداری افغانستان ۱۰,۸٪ درصد بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

شکل (۴)



نمودار بالا نشان می‌دهد که میزان نسبت سرمایه به کل دارایی در بانکداری متعارف افغانستان بیشتر از بانکداری اسلامی ایران هست. مطابق این روند نسبت سرمایه به دارایی در بانکداری افغانستان در این چهار سال دارایی نوسان بوده است در سال ۱۳۹۱ این نسبت از ۱۰٫۸٪ درصد به ۱۲٫۷۰٪ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش را نشان می‌دهد و در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ در نهایت به ۱۳٫۹٪ درصد رسیده است. مطابق این اطلاعات میزان نسبت سرمایه و نقدینگی بانک‌های منتخب افغانستان در طی سال‌های مورد مطالعه وضعیت مناسب را دارا بوده است؛ زیرا از حداقل سرمایه‌ای که کمیته‌بال برای بانک‌ها تعیین نموده است، سرمایه بانک‌های منتخب افغانستان بیشتر از آن بوده است.

نسبت سرمایه به دارایی در بانکداری اسلامی ایران طی سال‌های مورد مطالعه کمتر از بانکداری متعارف در افغانستان بوده است. و طی این چهار سال دارایی نوسان بوده است. این نسبت در سال ۱۳۹۱ از ۵٫۴٪ درصد به ۳٫۹٪ درصد در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است. در سال ۱۳۹۳ دوباره افزایش یافته و به ۴٫۱٪ درصد رسیده است و در سال ۱۳۹۴ دوباره کاهش یافته است. میانگین این نسبت در بانک‌های منتخب اسلامی ایران خیلی پایین‌تر از سقف تعیین شده‌ای، نسبت سرمایه به دارایی توسط کمیته‌بال ۲ برای بانک‌ها بوده است. در بیانیه کمیته‌بال ۲ سقف نسبت سرمایه به دارایی ۸٪ درصد تعیین شده است؛ اما این نسبت در بانک‌های منتخب اسلامی ایران پایین‌تر از

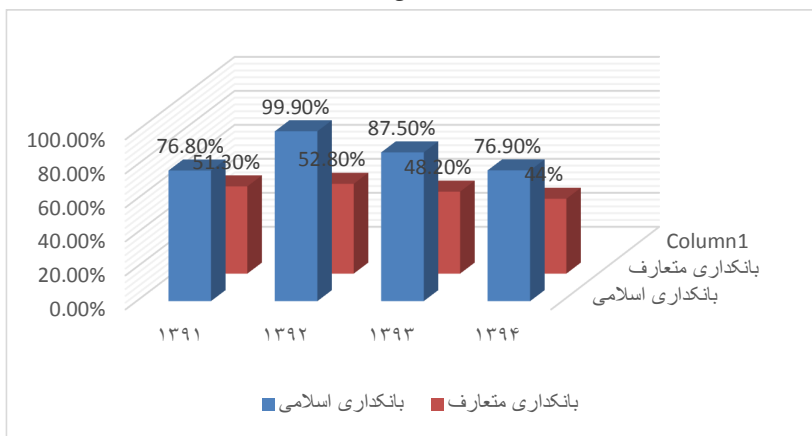
سقف تعیین شده‌ای کمیته بال و همچنین کمتر از نسبت سرمایه به دارایی بانک‌های متعارف مورد مطالعه در افغانستان بوده است؛ بنابراین با توجه به اطلاعات نمودار بالا پایین بودن نسبت سرمایه به دارایی در بانک‌های منتخب اسلامی ایران از سقف تعیین شده کمیته بال، خود نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی ایران در طی سال‌های مورد مطالعه از وضعیت مناسب برخوردار نبوده است؛ زیرا سرمایه مناسب و کافی یکی از شرایط لازم برای حفظ سلامت نظام بانکی است. سرمایه مناسب بانک‌ها را قادر می‌سازد که در هنگام مشکلات و بروز بحران‌های مالی توانای پاسخ‌گویی به نیازهای نقدی مشتریان را داشته باشد؛ بنابراین با توجه به یافته‌های این شاخص می‌توان به این نتیجه رسید که ریسک نقدینگی در نظام بانکداری اسلامی ایران بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان بوده است؛ زیرا در بانک‌های منتخب افغانستان نسبت سرمایه به دارایی بالاتر از ۰/۸ درصد بوده است.

۳.۱.۵ نسبت تسهیلات به سپرده

نسبت تسهیلات به سپرده یکی از نسبت‌های مالی است که برای بررسی وضعیت مالی و نقدینگی بانک‌ها و مؤسسات پولی و مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نسبت به‌عنوان معیاری جهت سنجش نقدینگی منابع اعتباری بانک‌ها می‌باشد و در واقع نشان می‌دهد که بانک‌ها می‌توانند کسب کار وام‌دهی خود را از محل سپرده‌هایشان تأمین نمایند. افزایش این نسبت در مدیریت منابع و مصارف بانکی گویایی افزایش وام‌ها و کاهش سپرده‌های بانکی است. اگر این نسبت افزایش یابد توانایی نقدینگی بانک کاهش می‌یابد که در نتیجه باعث افزایش ریسک نقدینگی در سیستم بانکی می‌گردد. (مهرآرا و بهلولوند، ۱۳۹۵، ص ۳۳)، مطابق این نسبت که در نمودار زیر نشان داده شده است نسبت تسهیلات به سپرده در بانک‌های اسلامی ایران بیشتر از بانک‌های متعارف در افغانستان است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل (۵)



منابع: سایت بانک‌های مربوطه

اطلاعات و نمودار گراف بالا نشان می‌دهد که نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در بانکداری اسلامی ایران بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان می‌باشد. بالا بودن این نسبت نشانگر ریسک نقدینگی بیشتر در بانک‌ها می‌باشد؛ زیرا سپرده‌گذاری در بانک‌ها یکی از راه‌های اساسی تمویل مالی بانک‌ها است. منابع تمویل تسهیلات اعطای بانک‌ها همین سپرده‌ها می‌باشد، اگر درصدی بیشتری از سپرده‌ها به وام و تسهیلات اختصاص یابد، ریسک نقدینگی بانک را افزایش می‌دهد. نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در بانکداری اسلامی ایران طی سال‌های مورد مطالعه بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان بوده است. این نسبت در بانک‌های منتخب ایران طی سال‌های مورد مطالعه در حال نوسان بوده است، ریسک نقدینگی نیز در بانکداری اسلامی ایران طی سال‌های مورد مطالعه در حال افزایش و کاهش بوده است و بیشترین ریسک نقدینگی را نیز در سال ۱۳۹۲ دارا بوده است. این نسبت در سال ۱۳۹۱ از ۷۶٫۸٪ درصد به ۹۹٫۹٪ درصد در سال ۱۳۹۲ رسیده است و بانکداری ایران در این سال بیشترین ریسک نقدینگی را دارا بوده است.

نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در بانکداری متعارف افغانستان کمتر از بانکداری بانک‌های منتخب اسلامی ایران بوده است. این نسبت در بانکداری متعارف در افغانستان دارای نوسان بوده است. از سال ۱۳۹۱ این نسبت از ۵۱٫۳٪ درصد به ۵۲٫۸٪ درصد در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است؛ و در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ دوباره این نسبت کاهش یافته است. این روند نشان می‌دهد که ریسک نقدینگی در بانکداری متعارف افغانستان طی این سال‌های مورد مطالعه غیر از سال دوم در حال

کاهش بوده است؛ بنابراین روند بالا بیانگر این است که ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی ایران در مقایسه با بانکداری متعارف در افغانستان بیشتر است.

جمع بندی

نظام بانکی یکی از مهم ترین و بااهمیت ترین نهادهای تأمین کننده مالی در بخش فعالیت های اقتصادی به شمار می آید. امروزه یکی از چالش های مهم فراروی نظام بانکی ریسک است، هدف از این تحقیق بررسی مدیریت تطبیقی ریسک نقدینگی در نظام بانکی اسلامی و متعارف با تأکید بر مطالعه نظام بانکی ایران و افغانستان است؛ که با توجه به ترازنامه و گزارش های مالی سالانه چهار بانک متعارف در افغانستان و چهار بانک اسلامی در ایران با روش تحلیلی توصیفی با استفاده از شاخص نسبت های مالی از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۴ تحقیق و بررسی شده است؛ و این مطالعه در پی حل پرسش اصلی این تحقیق است که آیا ریسک نقدینگی در نظام بانکداری اسلامی بیشتر از بانکداری متعارف است؟ یافته های تحقیق بیانگر آن است که بانک های اسلامی با توجه به ماهیت متفاوت آن با نظام بانکی متعارف و تحریم معاملات و فعالیت های اقتصادی ربوی از ریسک بیشتری نسبت به بانکداری متعارف برخوردار است.

نتایج و بررسی شاخص نسبت های مورد مطالعه نیز نشان می دهد که میانگین نسبت بدهی کل به دارایی کل، نسبت تسهیلات به دارایی، نسبت تسهیلات به سپرده در بانک های منتخب اسلامی ایران بیشتر از بانکداری متعارف افغانستان است، افزایش این نسبت ها در واقع بیانگر ریسک نقدینگی در بانک ها می باشد هرچه میزان این نسبت ها بیشتر باشد ریسک نقدینگی نیز به همان میزان بیشتر است. نتایج این نسبت ها نشان می دهد که ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی ایران بیشتر از بانکداری متعارف افغانستان است. نسبت دارایی های نقد به کل دارایی ها و نسبت سرمایه به دارایی در بانک های منتخب اسلامی ایران پایین تر از بانک های متعارف افغانستان است، پایین بودن این دو نسبت بیانگر بیشتر بودن ریسک نقدینگی در بانک ها است. مطابق بیانیه کمیته بال نسبت سرمایه به کل دارایی بانک ها حداقل ۸٪ درصد تعیین شده است که این نسبت در بانک های منتخب اسلامی ایران کمتر از ۸٪ درصد می باشد، و در بانک های متعارف افغانستان نسبت سرمایه به دارایی بالای ۸٪ درصد و در حالت نرمال می باشد. پایین بودن نسبت سرمایه به دارایی از سقف تعیین شده بیانگر ریسک نقدینگی در بانک ها است؛ بنابراین با توجه به یافته های تحقیق تمام نسبت های مالی بررسی شده در بانک های منتخب اسلامی ایران و بانک های منتخب متعارف در افغانستان نشان می دهد که ریسک نقدینگی در بانک های منتخب اسلامی ایران بیشتر از بانک های متعارف در افغانستان است. و همچنین نتایج تحقیقات و مقالات مشابه که در ایران انجام

شده است نیز بیانگر این امر است که ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی بیشتر از بانکداری متعارف است.

موسویان و کاوند (۱۳۸۹)، در مقاله مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی، به این نتیجه رسیده است که بانک‌های اسلامی به علت ربوی بودن بسیاری از ابزارها، نه می‌توانند از این ابزارها برای مدیریت ریسک نقدینگی استفاده کنند از این جهت بانک‌های اسلامی بیشتر از بانک‌های متعارف با چالش‌های ریسک نقدینگی مواجه است. عطرکار روشن و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله مدیریت ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی معتقد است که بانکداری اسلامی به دلیل به کارگیری از ابزارهای متفاوت نسبت به بانک‌های متعارف در مدیریت نقدینگی و عدم کارایی این ابزارها با مشکلات و چالش‌های بیشتری رو به است بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر و تحقیقات قبلی می‌توان نتیجه گرفت که ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی بیشتر از بانکداری متعارف است. بنابراین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ریسک نقدینگی در بانکداری اسلامی ایران بیشتر از بانکداری متعارف در افغانستان است.



منابع

۱. معین، محمد، فرهنگ لغات فارسی.
۲. گروه مطالعات و مدیریت ریسک بانک اقتصادی نوین (۱۳۸۷) مدیریت دارای - بدهی و ریسک نقدینگی در مؤسسات مالی، تهران، انتشارات فرا سخن.
۳. موسویان، سید عباس و میسمی، حسین، (۱۳۹۴) بانکداری اسلامی مبانی نظری و تجارب عملی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
۴. موسویان، سید عباس، ۱۳۹۲، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. کردلویی، حمیدرضا، دوآبی، پیام نوری، شمسیان، اسماعیل، ۱۳۹۵، ریسک نقدینگی و اعتباری در بانکها، تهران، انتشارات ترمه.
۶. موسویان، سید عباس و کاوند، مجتبی، مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی، معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره اول، خزان و زمستان ۱۳۸۹
۷. ارمکی قاسمی و بحرالعلو، محمدهادی، (۱۳۸۵) مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی، مجموعه مقالات هفدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانکداری ایران.
۸. فلاح شمس، میر فیض و رشنو، مهدی (۱۳۸۷) ریسک درصکوک و مصون سازی آن براساس موازین شرعی، مجموع مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران
۹. شعبانی، احمد و رستخیز، علی عادل، (۱۳۹۱) تحلیل تطبیقی ریسک در بانکداری متعارف و بانکداری بدون ربا در قالب عقود اسلامی، دو فصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، سال دوم، شماره اول پاییز و زمستان ۱۳۹۱
۱۰. پورپاشاه، محمدولی، (۱۳۹۳) مدیریت ریسک نقدینگی در بانکها؛ یک چارچوب مفهومی، فصلنامه روند، سال بیست یکم شماره‌های ۶۵ و ۶۶
۱۱. قنبری، حسن علی، (۱۳۸۸) چالش‌های مدیریت ریسک در تقابل با بازارهای بی ثبات، مجموع مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی، موسسه آموزش عالی بانکداری ایران.
۱۲. ابوالحسنی، اصغر و رفیع، حسنی مقدم، (۱۳۸۷) بررسی انواع ریسک‌ها و روش‌های مدیریت آن در نظام بانکداری بدون ربا ایران، مجله اقتصاد اسلامی.
۱۳. مهرآرا، محسن و بهلولوند، الهه، ۱۳۹۵، بررسی عوامل مؤثر بر ریسک نقدینگی در صنعت بانکداری مبتنی بر رویکرد بیزنی، مطالعه موردی بانک‌های ایران، پژوهشنامه‌ی علمی پژوهشی اقتصاد کلان.

۱۴. عطرکار روشن، صدیقه، روشن‌روان، آزاده، عباس‌زاده، مریم، ۱۳۹۳، مدیریت ریسک نقدینگی در بانکدای اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری، شماره چهارم.
۱۵. پورزندی، محمد ابراهیم، عمرانی، میثم، کاوند، مجتبی، ۱۳۹۱، طراحی مدل اندازه‌گیری ریسک نقدینگی در نظام بانکداری بدون ربا مطالعه موردی بانک ملت، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، شماره هجدهم.
۱۶. کفای، محمد علی و راهزانی، محبوبه، ۱۳۹۶، بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک نقدینگی بانک‌های ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست پنجم، شماره ۸۱.
۱۷. قولچاش، سامانتا، سعیدی، پرویز، ۱۳۹۶، نگرش برمدیریت ریسک نقدینگی در بانک‌ها، فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، سال سوم، شماره هفدهم.
۱۸. پهلوان، مسعود، ۱۳۸۶، مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانک‌ها (براساس بیانیه دوم کمیته مقررات و نظارت بانکی باذل)، فصلنامه روند، شماره ۵۳ - ۵۲.
۱۹. مهران‌فر، منیره، ۱۳۹۱، مدیریت ریسک نقدینگی در بانک ملت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمالی.
۲۰. شمخال، علی رشید، پرهیزکاری، سعید، ۱۳۹۰، تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی بانکی، ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره، ۱۳۰

منابع انگلیسی

- 22.Mhammad, Sabri, Liquidity Risk Mangment In Islamic Banks, Surye, Afro Eurasian Studies, vol. 1, Issues2, Spring & fall, 2013, 215 – 230
- 23.Mohammad Ashraful Mobin and Abu Umar Faruq Ahmad, liquidity management of Islamic banks: the; evidence from Malaysian practice, the global journal of finance and economics, vol, 11, no, 2 (2014), 175 – 18
- 24.Slaman, Sayed Ali, State of liquidity management in Islamic financial institutions, Islamic Economic studies, vol, 21, June, 2013, (63-68).

منابع سایت‌ها

1. www.azizibank.af
2. www.bakhtarbank.af
3. www.fmfb.af
4. www.enbank.ir
5. www.rqbank.ir
6. www.sbank.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی